

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۰۹ اپریل ۲۰۱۴

"انتخابات" ریاست جمهوری اشغال را تداوم می بخشد

۵ اپریل، روز رأی دهی به عمال دست چین استعمار برای اشغال کرسی ریاست جمهوری افغانستان اشغال شده بود. کاندیدان چه در قیافه "مدنی" و چه در لافافه "مذهبی" فاقد وجهه ملی و مردمی بودند. هیچ یک حتا پنهانی هم نتوانستند وابستگی خود را به اجانب پنهان دارند. مردم بی وسیله کشور که گروگان نیرو های استعماری و عمال آنها اند، برای به دست آوردن لقمه نانی روی اجبار حالت تحمیلی را پذیرفته اند، اما آمادگی برای مقاومت مردمی در آینده می گیرند. ستراتیژی ناکام طالبان هم مردم را بیشتر در دامان امپریالیسم و دست پرورده های آنها انداخته و آنها را در قضاوت دشوار تأیید و تردید قرار داده است. وسایل تبلیغاتی امپریالیستی با تمام قوت وارد عمل شده و ذهن و روان مردم درمانده را به سوی افراد معینی سوق داده است. اینجاست که عمال استعمار وارد میدان عمل می گردند و دقیقاً دساتیر استعماری را مرحله به مرحله به معرض اجراء قرار می دهند. بجاست متذکر شویم، بر همین مبناست که اوپاما و کری موفقیت دولت مستعمراتی کابل را در راه اندازی "انتخابات" ریاست جمهوری افغانستان اشغال شده تبریک گفته و حمایت امریکا را از افغانستان بعد از کرسی وعده دادند.

طبق دساتیر استعماری هشت تن از هویت باختگان، کاندیدان ریاست جمهوری افغانستان اشغال شده بودند که برای جلب توجه استعمارگران و فریب مردم مبارزه انتخاباتی را به راه انداختند. از این گروه نابکار، دو تن نزدیکتر به استعمار که رأی بیشتر را با قوت تبلیغاتی امپریالیستی به دست آوردند، به مرحله دوم "انتخابات" ریاست جمهوری خواهند رفت تا بعد از ریگشویی، فرد مطیع تر و تابع تر مورد تأیید استعمار قرار گیرد و به اسم رئیس جمهور افغانستان، اشغال کشور را تداوم ببخشد. تعداد کاندیدان در دور اول می تواند به ده ها تن برسد. طبق قانون انتخابات که زیر نظر اشغالگران تدوین یافته، کاندید به ظاهر موفق باید بیشتر از ۵۰ فیصد رأی "مردم" را در مرحله اول به دست آورد تا برنده اعلام گردد. لاکن تکثر کاندیدان و فقدان هویت ملی و تفرقه های قومی، نژادی و مذهبی مانع عمده در سر راه می گذارد که کاندیدان بتوانند در مرحله اول به آن دست یابند. همچنان روحیه قانون انتخابات را اشغالگران طوری فریبکارانه عیار ساخته اند که مردم به "دموکراتیک" بودن قانون انتخابات معتقد شوند و آن را وسیله عمده تمرین دموکراسی ببینند. بناءً از زمره کاندیدان، دوکاندیدی که بیشتری "آرای مردم" را به دست آورند، در دور دوم وارد صحنه "مبارزه" می گردند. این مرحله آخر "انتخابات" و تصمیم گیری استعمار در تعیین فرد مورد نظر خود است. دور دوم دو هفته بعد از اعلام نتایج مرحله اول آغاز می شود. ممکن است اعلام نتایج دور اول ماه ها طول بکشد اگر طرز کار به زعم استعمار و عمال آنها خوش آیند نباشد. من از تحلفات و تقلبات در این انتخابات جعلی حرفی ندارم. به

زعم اینجانب، در یک کشور اشغال شده و با نصب یک نظام مستعمراتی، به راه انداختن "انتخابات" خود در مجموع یک تقلب محسوب می شود. همچنان باید متذکر شد که کاندیدان میلیون ها دالر برای مبارزات انتخاباتی خود و تطمیع افراد مورد نظر مصرف نموده اند بدون این که به ملت حساب بدهند که مصارف انتخاباتی از کجا تمویل شده است. اگر این تقلب نیست و اگر کاندیدان واقعاً دست پرورده اجانب نیستند، باید شهادت حسابدهی به ملت را داشته باشند.

از گزارشات داخل کشور تا اکنون چنین بر می آید که دو تن از کاندیدان یعنی عبدالله عبدالله و اشرف غنی رأی بیشتر را به دست آورده اند. شمارش آراء هنوز هم ادامه دارد. اگر این دو تن نتوانند بیشتر از ۵۰ فیصد آرای مردم را به خود اختصاص دهند، به سوی دور دوم حرکت خواهند کرد. تصمیم استعمار در این مرحله قطعی خواهد شد. این که کدام یک مورد پذیرش قرار می گیرند، مهارت در سرسپردگی آنها خواهد بود. طبق تشخیص معیار هائی که افراد را به اجانب وابسته می سازد، پله ترازوی اشرف غنی سنگینی می کند. البته معیار های تشخیص به هیچ وجه عبدالله عبدالله را پاکدامن تر نسبت به اشرف غنی جلوه نمی دهد بلکه تغییر زمان، شرایط داخلی، وابستگی همیشگی عبدالله به وواک و اف. اس. بی. (کی. جی. بی. سابق) و شخصیت ضعیف فردی اش، او را در درجه بندی از نظر استعمار پائین خواهد انداخت.

اگر قضاوت خویش را صرف بر مبنای فیصدی آراء و نه ارتباط با اجانب قرار دهیم، جریان انتخابات بزرگترین ضربه را به مافیای برادران کرزی وارد نموده و دست پرورده حامد کرزی، سردار زلمی رسول، را طور افصح آمیز به عقب انداخت. تصور نمی شود که زلمی رسول بتواند تا چند روز دیگر از عبدالله عبدالله و یا اشرف غنی پیشی گیرد تا در دور دوم رقابت نماید. بدون تردید که چشم های تیز نیرو های استعماری زلمی رسول را برای "زعامت" افغانستان اشغال شده مناسب تشخیص نداده که موفق به پیاده کردن مرام های استعماری شود. همچنان تیرگی در روابط امریکا و حامد کرزی که آنها را واقعیت داشته باشد، میسر شدن فرصت ریاست جمهوری افغانستان اشغال شده برای زلمی رسول را بسیار محدود ساخته است. خود شخص زلمی رسول هم انسان بسیار تنبل و استراحت طلب است که به اصطلاح مردم کابل "برش ندارد". حامد کرزی و برادران می خواستند که خود را در پناه سردار زلمی رسول قرار داده تا نه تنها به غارت کشور ادامه داده بلکه از هر گونه عدالت خواهی هم مصون باقی بمانند. ضربه مدهش را قیوم کرزی مدعی تاج و تخت برادر بیشتر احساس نمود. قیوم کرزی به این تصور بود که حد اقل می تواند قندهار را به نفع زلمی رسول بسیج کند و با موفقیت رسول آینده خود را تضمین نماید. اما پسران کاکای قیوم کرزی به اسمای حشمت کرزی و حکمت کرزی که جانب اشرف غنی را گرفتند، برای قیوم در قندهار فاجعه آفریدند. میان پسران کاکا پدرکشی وجود دارد که به آسانی رفع نخواهد شد.

برادران کرزی با تقرر عبدالله و اشرف غنی در پست ریاست جمهوری احساس آرامش نمی نمایند و آینده را برای خود تاریک می بینند. اما همه می دانند که امر از بیرون تداوم مرگ و زندگی را برای افراد مطیع و سرکش خود تعیین می کند که درین صورت نقش عبدالله و غنی در تعیین سرنوشت برادران کرزی کمرنگ خواهد شد.